جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۱۲، شمـارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

تحلیل جامعه‌شناختی دگرگونی تاریخی در مکان پاسداشت شیء مقدس

صدرالدین طاهری[۱]*

(دریافت: ۱۰/ ۱۲/ ۱۳۹٦ پذیرش: ۰۳/ ۰۹/ ۱۳۹۷)

چکیده

این نوشتار، پژوهشی تاریخی و توصیفی ـ تحلیلی در حوزهٔ جامعه‌شناسی فرهنگ است. وبر در زمرهٔ یکی از پایه‌گذاران جامعه‌شناسی سه خط‌مشی تاریخی را برای توجیه قدرت در یک ساختار سیاسی معرفی کرد. او این شیوه‌های ناب را اقتدار فرهمندانه، اقتدار سنتی و اقتدار عقلانی ـ قانونی نامید. یک سده پس از بیان این نظریه روند تاریخی را، که ذکر می‌شود، می‌توان برای این سه شیوه پیشنهاد کرد: فرهمندی باستانی، توارث تاریخی و دولت مدرن. هدف این پژوهش بنیادی نظری که داده‌های کیفی آن به‌شیوهٔ اسنادی گردآوری شده‌اند، پی‌جویی تغییر مکان نگاهبانی از شیء مقدس/ برگزیده در این تحول درزمانی است. این نوشتار تلاش دارد ویژگی‌های این‌گونه اشیا را توصیف و روند تغییر جایگاه پاسداشت آن‌ها را در طول تاریخ در بافتی جامعه‌شناختی بررسی کند. برای فهم ماهیت شیء مقدس از تعاریف دورکهیم و اوتو استفاده شده و به‌یاری دیدگاه کانت دربارهٔ زیبایی و والایی کیفیت زیباشناختی ارتباط انسان با این اشیا تبیین شده است. نیایشگاه و کاخ را می‌توان مکان‌های پیشامدرن پاسداشت شیء مقدس/ برگزیده و هم‌بسته با دو شیوهٔ ابتدایی‌تر اقتدار دانست، اما در دورهٔ مدرن، موزه به‌منزلهٔ مهم‌ترین بنیاد برای نگاهبانی از اشیای برگزیده جایگزین این مکان‌ها شده است. موزه اشیا را در فرایندی از برگزیدگی، جداسازی و چارچوب‌بندی، موزه‌ای می‌کند. ممکن است اشیای مذهبی در روند ورود به موزه تقدس‌زدایی شوند یا اشیا روزمره

---

۱. عضو هیئت علمی گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

*E-mail: s.taheri@aui.ac.ir

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مقدس‌سازی شوند. خلاف نیایشگاه، موزه تأثیر همسانی بر همهٔ بازدیدکنندگانش ندارد. تجربهٔ ارتباط با شیء مقدس در موزه امری اختیاری، غیرالزامی، درونی، شخصی و برآمده از پیشینه، سن، دل‌بستگی و دانش هر بازدیدکننده است.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی فرهنگ، موزه، شیء مقدس، نیایشگاه، شیوه‌های سلطهٔ مشروع.

مقدمه

شوق گردآوری مجموعه‌هایی از آنچه زیبا، عجیب، قدیمی، متفاوت یا گران‌بهاست از دیرباز در نهاد انسان خانه داشته است. پاره‌سنگی که به‌سان چشم‌زخم بر سردر یک چادر عشایری آویخته شده، کاسه‌نگاره‌دار رهاورد سفر در طاقچهٔ قلعهٔ اربابی و یک جام زرکوب گوهرنشان بر میز پادشاه، همه در خدمت سترگ‌ترین امیال انسان هستند؛ میل به زیبایی و والایی.

از سال ۱۶۸۳م – که امکان بازدید همگانی از موزهٔ آشمولین[1] آکسفورد فراهم شد ـــ تا امروز بنیاد موزه بارها دستخوش تنوع، گسترش و پیشرفت شده است. موزه‌های نوین، نهادهایی دانش‌محور هستند که مجموعه‌هایی از آثار هنری، فرهنگی، تاریخی یا علمی را بسته به رسالت خود برای بازدید، آموزش و پژوهش عمومی نگهداری می‌کنند و به نمایش همگانی می‌نهند.

اگر زمانی صاحبان قفسه‌های کنجکاوی[2] فقط در کار گردآوری اشیای همسان یا شگرف بودند و شاهان و اشرافیان حرص انباشتن تالارهای خود از آثار دست نامداران جهان هنر و صنایع ظریفهٔ کشورهای دوردست را داشتند، وظایف موزه امروز بسیار فراتر رفته است. موزه‌های جهان اکنون در جایگاه نهادهای نیرومند آموزشی، بار مراقبت و نگهداری، نمایش همگانی و تفسیر اشیا را نیز بر دوش دارند. به باور میشل فوکو[3] موزه هم‌زاد عصر روشنگری است. بنابراین، می‌تواند با تکیه بر ارزش‌های دوران روشنگری همچون نقد، آزادی و پیشروی بر روابط قدرت برآمده از آن دوران غلبه کند (Beth, 2006, p. 11).

پژوهش‌هایی که تاکنون در باب پیشینهٔ مفهوم موزه به‌ثمر رسیده است، بیشتر روند درزمانی شکل‌گیری ساختار موزه و ریشه‌های تمایل به گردآوری مجموعه‌ها را بررسی کرده‌اند، اما هدف مقالهٔ حاضر، پی‌جویی فرایند تاریخی نگاهبانی از شیء مقدس/

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

برگزیده در فرهنگ‌های گوناگون انسانی و برماند این سنت برای موزه‌های نوین است. این نوشتار مطالعه‌ای تاریخی است درمورد یک پدیدار اجتماعی (پاسداشت شیء مقدس) و نهاد اجتماعی هم‌بسته با آن (مکان این پاسداشت) و تنوع‌های سیاسی این پدیدار و نهاد در گذر تاریخ.

برای سامان‌دهی چارچوب نظری این پژوهش، از دیدگاه جامعه‌شناسانه و سیاست‌شناسانه ماکس وبر دربارهٔ شیوه‌های گوناگون اعمال اقتدار قانونی بهره گرفته شده است. این نوشتار ابتدا نظریهٔ وبر را خوانش، آنگاه تلاش می‌کند آن را در بستر روندی تاریخی مستقر سازد. سپس به شرح چیستی تقدس از سوی دورکهیم و اوتو و واکاوی اهمیت اشیای تقدیس‌شده در اندیشهٔ باستانی و دینی می‌پردازد و مفهوم زیبایی و والایی را از دید کانت بازخوانی می‌کند و در پایان، با یاری چارچوب نظری حاصل‌شده، برای تحلیل جایگاه موزه در جهان مدرن تلاش خواهد کرد.

بیان مسئله

ماکس وبر[٤] اندیشمند آلمانی و استاد پیشین دانشگاه‌های برلین و هایدلبرگ است که دیدگاه‌های تأثیرگذاری در جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی دارد. او را در کنار مارکس و دورکهیم یکی از پایه‌گذاران دانش جامعه‌شناسی خوانده‌اند (Giddens, 1971, p. 7).

وی در ژانویهٔ ۱۹۱۹م برای اتحادیهٔ دانشجویان آزاد باواریا، خطابه‌ای با عنوان سیاست به‌مثابهٔ پیشه ایراد کرد (Weber, 1919) که بخشی از محتوای آن بعدها با نام *سه شیوهٔ ناب سلطهٔ مشروع* در سال ۱۹۲۲م منتشر شد. این نوشتار که از آن پس بارها به زبان‌های گوناگون بازنشر شده و به یک متن کلاسیک در جامعه‌شناسی و دانش سیاست بدل شده است، به‌منزلهٔ مدلی برای تحول اجتماعی ـ تاریخی، محور تئوریک مقالهٔ حاضر را شکل می‌دهد.

یک سده پس از بیان این نظریه، پژوهش حاضر تلاش دارد دیدگاه جامعه‌شناختی وبر را در یک روند تاریخی بررسی کند. در این راستا، مسئلهٔ نیاز جامعهٔ انسانی به شیء مقدس/ برگزیده و مکان نگهداری این اشیا واکاوی شده است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

چارچوب روش‌شناختی

این نوشتار، پژوهشی تاریخی در حوزهٔ جامعه‌شناسی فرهنگ[5] به‌شمار می‌رود. دانشی که تلاش دارد پدیدارهای فرهنگی را به‌مثابهٔ فرآورده‌هایی از پویایی اجتماعی بررسی کند و تأثیر محرکه‌های اجتماعی بر فرهنگ را بسنجد. جامعه‌شناسی فرهنگ، شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی است که درپی تحلیل پدیدارهای فرهنگی شامل داستان‌ها، باورها، اندیشه‌ها، آثار هنری، گرایشات مذهبی، معرفت‌ها، آیین‌ها، تحولات مُد، ارتباطات رسانه‌ای و... از دیدگاه جامعه‌شناختی است (Griswold, 2012, p. xiv). در این رشته، سازمان و زیربنای اجتماعی تولید فرهنگ بررسی می‌شود. اگرچه این شاخه با برخی دیگر از حوزه‌های جامعه‌شناسی همچون جامعه‌شناسی هنر، جامعه‌شناسی ادبیات، جامعه‌شناسی دانش و معرفت، جامعه‌شناسی رسانه‌ها و جامعه‌شناسی دین هم‌پوشانی دارد، اما در اصل بر مطالعهٔ نمودهای آشکار کنش‌های فرهنگی و تولید فرهنگی تمرکز دارد.

این پژوهش از دیدگاه ماهیت توصیفی ـ تحلیلی و از دیدگاه هدف بنیادی نظری است و داده‌های کیفی آن به‌شیوهٔ اسنادی با نمونه‌گیری هدفمند داده‌اندوزی شده‌اند. از سوی دیگر، این نوشتار پژوهشی پهنانگر و روندمحور به‌شمار می‌رود، زیرا پدیداری جامعه‌شناختی را در گذر زمان بررسی کرده است.

در پژوهش‌های توصیفی ـ تحلیلی، پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در این گونه پژوهش‌ها می‌توان از روش استقرایی استفاده کرد، بدین‌سان که وقتی ویژگی یا صفتی مشترک در پدیده‌های گوناگون تکرار و مشاهده شد، می‌توان بر اساس آن نظریه‌ای ارائه کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲، ص. ۷۲). در راهبرد پژوهش استقرایی، نظریه شامل تعمیم‌هایی است که به‌وسیلهٔ استقرا از داده‌ها به‌دست می‌آیند. بنابراین، پژوهش به ساختن و پرداختن نظریه‌ای مربوط می‌شود که از گردآوری داده‌ها آغاز و با توصیف‌های انتزاعی از الگوهای موجود در داده‌ها (تعمیم‌ها) به پایان می‌رسد. استقراگرایان در جست‌وجوی قوانین جهانی زندگی اجتماعی هستند (بلیکی، ۱۳۸٤، ص. ۲۳۱).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

هدف اصلی این پژوهش، بررسی روندی تاریخی است که بر پایهٔ نیاز جوامع انسانی به اشیای مقدس/ برگزیده انجام گرفته و طی آن مکان نگهداری این اشیا با تغییر ساختار قدرت دگرگون شده است. در انتها، کارکرد موزه‌های مدرن به‌منزلهٔ نهادهایی فرهنگی ـ سیاسی ـ آیینی واکاوی و نیز اهمیت و جایگاه آن‌ها در مسیری که وبر برای تحول تاریخی شیوه‌های اعمال اقتدار مشروع پیشنهاد می‌کند، بررسی می‌شود.

سه شیوهٔ ناب سلطهٔ مشروع

به‌باور وبر پذیرش مشروعیت هر نظام سیاسی فراتر از امری فلسفی و مستقیماً وابسته به اقتدار و ثبات آن نظام است. همهٔ نهادهای قدرت نیاز به برهانی پذیرفته‌شده برای فرمانروایی خود دارند. این دلیل محوری بیشتر در شرایط بحران به چالش کشیده می‌شود (Bendix, 1977, p. 294). وبر معتقد است تنها سه گونه خط‌مشی برای توجیه کردن قدرت در یک ساختار سیاسی وجود دارد که آن‌ها را شیوه‌های ناب می‌نامد. این سه گونه عبارت‌اند از:

اقتدار فرهمندانه[۶]: این شیوه وابسته به کاریزما یا فرهمندی[۷] پیشواست. فضیلت پیشوایی حقی است که بر پایهٔ وحی و پیشگویی، نیروی سحرآمیز یا عملی قهرمانانه نصیب او شده و پیروانش به‌سبب ویژگی‌های شخصیتی خود اوست که به این حق سر می‌نهند، نه بر پایهٔ سنت یا قانون. کارگزاران چنین نظامی بیشتر بر دو دسته‌اند: افرادی که سروری پیشوا را پذیرفته‌اند و افرادی که خود شخصیتی فرهمند دارند (Weber, 1922, p. 2). در شیوهٔ زمام‌داری بناشده بر اقتدار فرهمندانه، مأموریت یا بینش ویژهٔ پیشوا الهام‌بخش دیگر افراد جامعه است (Riesebrodt, 1999, p. 3).

اقتدار سنتی[۸]: در این شیوه، مشروعیت قدرت فرمانروا برآمده از قدمت و ماندگاری قدرت در خاندان اوست. او نیرومند است، چون اقتدار را از پدرانش به ارث برده است. کارگزاران این نظام نیز که قدرتی همسان با فرمانروا در مقیاس‌هایی کوچک‌تر دارند، بیشتر بر دو دسته‌اند: صاحبان موروثی جایگاه‌های زیرمجموعهٔ فرمانروا یا متحدان خراج‌گذار او (Weber, 1922, p. 2).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

این اقتدار ممکن است به شیوهٔ پادشاهی موروثی (که همهٔ اختیارات زیردستان با شاه است) یا حکمرانی فئودال (که مالکیت زمین‌ها با خان است و رعایا به او وابسته‌اند) بروز یابد، اما در هر دو صورت، نظام حاکم در برابر تغییر یا گشایش مقاومت می‌کند.

اقتدار عقلانی ـ قانونی[۹]: قدرت در این شیوه از سوی نهادهای اداری یا قضائی که برپایهٔ اصول قانونی بنا شده‌اند، مشروعیت می‌یابد. اشخاصی که چنین نظامی را مدیریت می‌کنند، در فرایندی قانونی برگزیده یا گماشته شده‌اند. در این نظام مدیران نیز همچون زیردستان تابع قوانین هستند که سبب محدودیت قدرت، جدایی زندگی شخصی از وظایف سازمانی و الزام به مستندسازی کارکردها می‌شود. قدرت در این شیوه در یک روند عقلانی رقابتی جابه‌جا می‌شود. اقتدار نه از یک شخص فرهمند یا میراث‌بر، بلکه از مجموعه‌ای یکپارچهٔ قانونی سرچشمه می‌گیرد (ibid, p. 2). وبر بر این باور بود که گسترش و قدرتمندی دولت در این شیوه، وابسته به مدرنیزه و دیوان‌سالارانه شدن ساختار اداری است، همچنان که قدرت نظام سرمایه‌داری نوین از استقرار دیوان‌سالاری در تشکیلات اقتصادی حاصل می‌شود (ibid, 1958, p. 3).

وی این سه نام را تنها به‌منزلهٔ برچسب‌هایی برای یک طبقه‌بندی تاریخی به‌کار نمی‌برد، بلکه آن‌ها را در یک شبکهٔ گسترده از مفاهیم اجتماعی قرار می‌دهد تا تصویری از کارکرد و ویژگی‌های هر شیوه به‌دست آید (Collins, 1986, p. 6).

تحول تاریخی شیوه‌های اقتدار

ممکن است به‌نظر برسد این شیوه‌ها مرزبندی آشکاری دارند و تفاوت‌هایشان قطعی است، اما زمانی که از سطح نظریه فراتر برویم، بندهای درونی بسیاری را خواهیم یافت که این سه گونه ساختار متفاوت را به‌هم پیوند می‌دهند. می‌توان به‌شماری از نظام‌های سیاسی یا برخی دوره‌های تاریخی اشاره کرد که نهادهای صاحب قدرت ترکیبی از ویژگی‌های دو یا سه شیوهٔ یادشده را دارند.

هر سهٔ این گونه‌های اقتدار را هنوز می‌توان در میان نظام‌های سیاسی کنونی جهان باز یافت و در طول تاریخ نیز این شیوه‌ها کمابیش هم‌پای یکدیگر ردیابی می‌شوند.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

ماکس وبر خود روالی تاریخی برای این شیوه‌ها مشخص نکرده است، اما امروز یک سده پس از بیان این نظریه و در جهانی که بیشتر گستره‌اش را دولت‌های مدرن اداره می‌کنند، شاید بتوان روند تاریخی را، که در ادامه آورده می‌شود، برای این سه شیوه پیشنهاد کرد:

فرهمندی باستانی: ادارهٔ یک اجتماع ابتداییِ قبایلی بیشتر از سوی شورایی از ریش‌سفیدان به‌عهدهٔ فردی کاریزماتیک نهاده می‌شود که ممکن است جسورتر، قوی‌پنجه‌تر، سالمندتر یا داراتر از دیگران باشد. اگر او مجموعه توانایی‌های لازم برای رهبری آفاقی و انفسی پیروانش را داشته باشد، در جایگاه شمن[۱۰] خواهد نشست. پادشاهان، پیامبران یا پیشوایان قوم در بیشتر اساطیر یا نوشتارهای باستانی بازمانده از تمدن‌های کهن، انسان‌هایی ویژه، متفاوت و برگزیده هستند. این کاهن‌شاهان یا رهبران سیاسی ـ معنوی گاه دارندهٔ نسبی آسمانی پنداشته می‌شوند (همچون فراعنهٔ مصر یا امپراتوران چین و ژاپن)، گاه به‌یاری پیشگویی، وحی یا بینش کیهانی در ارتباط با خدا یا خدایان یا حامل پیامی از یک منبع ایزدی هستند (همچون برخی از شاهان بنی‌اسرائیل)، گاه برپایهٔ جسارت، دلاوری یا نیروی فراطبیعی خود شایستگی تکیه زدن بر مسند پیشوایی را کسب نکرده‌اند (همچون کورش یا اسکندر)، گاه خود ادعای خدایی دارند (همچون نارام‌سین اکدی یا آنتیوخوس چهارم سلوکی) و گاه چنان فرهمند هستند که پس از مرگ به مقام خدایی افراشته می‌شوند (همچون آوگوستوس یا ژولیوس سزار). در اندیشهٔ اساطیری ایرانی (ازجمله در اشاره به دوران پادشاهی پیشدادیان و کیانیان) این فرهمندی چنان ضرورتی دارد که هرگز کسی جز مالک فره ایزدی نباید بر تخت بنشیند. اگرچه رهبران فرهمند هنوز نیز در برخی نظام‌های سیاسی قدرت دارند، اما از آنجا که در میان اقوام باستانی سلطهٔ فرهمندانه رواج بیشتری داشته است، می‌توان آن را صورت ابتدایی‌تر برقراری اقتدار دانست.

توارث تاریخی: در شمار بسیاری از سلسله‌های حاکم در دوران تاریخی، اقتدار سیاسی از طریق نسب و وراثت منتقل شده است و این شیوهٔ اعمال اقتدار را می‌توان در تاریخ تمام کشورهای جهان ردیابی کرد. موارد پرشماری را می‌توان برشمرد که بنیان‌گذار این دودمان‌ها فردی فرهمند بوده (همچون سارگون اکدی، کنستانتین

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

بیزانسی، چاندراگوپتا شاه مائوری هند، چنگیز مغول یا شاه اسماعیل صفوی) و توانسته است در طول عمر خویش به چنان درجه‌ای از قدرت سیاسی دست یابد که انتقال اقتدار به فرزندانش امری عرفی و پذیرفتنی باشد. اگرچه این شیوهٔ اقتدار در دورهٔ معاصر قطعیت بدیهی خود را ازدست داده است، اما هنوز در کشورهایی همچون عربستان، اردن، عمان، برونئی و بوتان ساختار اصلی نظام سیاسی را تشکیل می‌دهد و در کشورهایی دیگر همچون انگلستان، اسپانیا، هلند، دانمارک و بلژیک به‌صورتی نمادین تداوم دارد.

دولت مدرن: نوین‌ترین شیوهٔ اعمال سلطه را می‌توان اقتدار عقلانی ـ قانونی دانست. بیشتر نظام‌های سیاسی کنونی جهان تلاش دارند خود را زیرمجموعهٔ این عنوان تعریف کنند. به‌باور وبر، دولت مدرن یک ساختار نظم‌یافتهٔ قانونی و اجرایی فراهم می‌کند که در صورت لزوم به‌یاری نهادهای قانون‌گذاری می‌توان آن را تغییر داد. دولت مدرن از طریق این نظم قانونی کارکرد کارگزاران اداری خود را سازماندهی می‌کند و جهت می‌بخشد و اقتداری انسجام‌بخش را بر روی تمامی اعضای یک جامعه اعمال می‌کند.

پس از وبر مفاهیمی همچون نهاد انتخابات، تفکیک قوا، جدایی دین از سیاست و تکثر فرهنگی در دولت مدرن اهمیتی چشمگیر یافته‌اند. امروزه دولت مدرن با ویژگی‌هایی همچون حاکمیت، قانونمندی، دیوان‌سالاری، شهروندی، مالیات‌ستانی، ملت‌سازی، مشروعیت عقلانی اقتدار، قدرت غیرشخصی، قلمرو سرزمینی معین و کنترل انحصاری ابزارهای خشونت شناخته می‌شود.

برپایهٔ این صورت‌بندی وبری می‌توان به دسته‌های متنوعی از مفاهیم اندیشید که با تغییر شیوهٔ مشروعیت‌پذیری نظام حاکم ممکن است دگرگون شوند: مثل شیوه‌های شکل‌گیری روابط اجتماعی، محدودهٔ کنش‌های سیاسی، چارچوب فعالیت‌های فرهنگی، پایه‌های ساختار اقتصادی و...؛ اما آنچه این مقاله پی‌جویی می‌کند نیاز به پاسداشت شیء مقدس و ضرورت تغییر مکان نگاهبانی از آن در این تحول تاریخی شیوه‌های سلطه است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

چیستی تقدس، زیبایی و والایی

در زبان‌های شاخهٔ لاتین معنای مقدس از دو واژهٔ متفاوت حاصل می‌شود. Holy در اشاره به فرد مقدس و Sacred در مفهوم شیء مقدس. Sacred از ریشهٔ لاتین Sacer آمده و به‌معنای ویژه، وقف‌شده و پیشکش‌شده است (De Vaan, 2008, p. 532). معنا و هویتی که «شیء مقدس» در این نوشتار دارد، برآمده از همین ریشه‌جویی است و هم‌خوانی دارد با برگزیدگی و تمایز شیء و نیز وقف یا پیشکش شدن آن برای نگهداری در یک مکان خاص. بنابراین، تقدس این اشیا ممکن است از وابستگی به یک مذهب، آیین یا سنت ملی، کسب یک جایگاه تاریخی یا علمی ویژه، حفاظت شدن از سوی یک نهاد قدرت، یا محبوبیت و توان جلب هواخواهی عمومی حاصل آمده باشد.

تقدس شیء از نشستن درون فرایندی تاریخی و فرهنگی حاصل می‌شود، نه از گوهرهٔ خود شیء. این اشیا در خلأ معنایی ندارند. فضای مکانی و مفهومی دربارهٔ آن‌هاست که هربار معنایشان را بازتعریف می‌کند و به تفسیر مخاطب از آن‌ها جهت و چارچوب می‌بخشد (Grimes, 1992, p. 419).

شیء مقدس از دیدگاه دانش جامعه‌شناسی چه ماهیتی دارد؟ امیل دورکهیم[۱۱] (1965, p. 47) معتقد است هر مذهب نظامی یکپارچه از باورها و آداب هم‌بسته با اشیای مقدس است، اشیایی که آن‌ها را جدا کرده و برایشان حرمت قائل است. در اندیشهٔ وی شیء مقدس برای هر گروه فرهنگی می‌تواند نماد، شمایل یا توتمی باشد که علایق و خواسته‌های آن‌ها را بازنمایی می‌کند.

رودولف اوتو[۱۲] (1996, p. 30) بر این باور است که اگرچه مفهوم مقدس بیشتر برای اشاره به کمال اخلاقی به‌کار می‌رود، اما این مفهوم رکنی دیگر را نیز دربر می‌گیرد؛ یک تجربه یا دریافت غیرعقلی و غیرحسی که موضوع بلاواسطه و اصلی آن در خارج از خود قرار دارد. او این دریافت را ناکاستنی به واژگان می‌داند که برای هرکس صورتی ذهنی دارد و باید شخصاً درک شود. اوتو در کنار زیبایی و جذابیت بر هیبت و ترس‌آفرینی این فرایند حسی نیز تأکید دارد.

برپایهٔ دیدگاه‌های دورکهیم و اوتو، میرچا الیاده[۱۳] (1987) به شرح اهمیت دینی تجربهٔ مقدس، مکان مقدس و زمان مقدس پرداخته است. پیش از آنکه گونه‌های

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

متفاوت این اشیا برگزیده و جایگاه مراقبت از آن‌ها را بررسی کند، باید به یک پرسش کلیدی پاسخ داده شود: حسی که از دیدن شیء مقدس/ برگزیده دریافت می‌شود چه کیفیتی دارد؟ معتبرترین نظریه در این باب را می‌توان در خلال واکاوی شیوه‌های قضاوت انسانی از سوی ایمانوئل کانت[۱۴] (1987, p. 126) پی‌جویی کرد. وی در کتاب *نقد قوهٔ قضاوت* یا نقد سوم که به سال ۱۷۹۰م منتشر شد چهار گونه قضاوت تأملی از سوی انسان را چنین دسته‌بندی می‌کند: امر خوشایند که حکمی ذهنی است، امر نیک که حکمی عینی است و امر زیبا و امر والا که قضاوت‌های زیباشناختی و احکامی فردی ـ همگانی هستند.

حسی که انسان در گذر تاریخ از اشیای مقدس و برگزیده دریافت کرده است، در زمرهٔ امر خوشایند (همچون بهره از یک خوراک لذت‌بخش) یا امر نیک (همچون رویارویی با رفتاری اخلاقی) نمی‌گنجد و قطعاً یک حس زیباشناختی است. امر زیبا از دید کانت دارای چهار ویژگی است: بی‌غایتی، ارتباط‌پذیری فراگیر، ضروریت و سودمندی بدون غرض. این امر حاصل قضاوت انسانی است، نه خاصیت ذاتی خود اشیا. امر والا از تلاش خرد انسان ــ به‌منزلهٔ نیروی ذهنی برتر از محسوسات ــ بر فراتر رفتن از طبیعت حاصل می‌شود. این احساس در برخورد با چیزی که بزرگی‌اش ورای گنجایش تخیل انسان باشد و پنداشت درک آن با سنجهٔ منطق بی‌ثمر بماند، رخ می‌دهد.

در ادامه خواهیم دید که چگونه شیء مقدس با افسون برآمده از زیبایی و والاییش، انسان را به درازای تاریخ فرهنگش مفتون خود کرده است.

شیء مقدس و مکان پاسداشت آن

برپایهٔ تعاریف پیش‌گفته، شیء مقدس/ برگزیده ماهیتی شناور و غیرقطعی می‌یابد و برای شناختن آن و نیز تشخیص مکان نگاهبانی از آن، ابتدا باید مشخص کنیم با کدام گونه از جوامع و چه شیوه‌ای از اقتدار اجتماعی روبه‌رو هستیم. در این بخش تلاش خواهیم کرد برپایهٔ نظریهٔ پیش‌گفتهٔ وبر، سه دسته از اشیای مقدس را ــ که در طول تاریخ در سه گونه از مکان‌های برگزیده نگهداری شده‌اند ــ پی‌جویی کنیم.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نیایشگاه؛ مکان اجسام تقدیس‌شده: در گذر تاریخ شمار بسیاری از پیشوایان فرهمند را می‌توان نام برد که یا دعوی ارتباط با آسمان را داشته‌اند یا تلاش کرده‌اند برای اثبات حقانیت خود و مکتبشان، در نگاه پیروان خویش ساده‌زیست و مردمی جلوه کنند. در این شیوهٔ زمامداری، مراکز مذهبی (نیایشگاه، قربانگاه، حرم، قدمگاه، زیارتکده و...) رونق می‌گیرند و وقف یا هدیهٔ اشیای خاص بدان‌ها فزونی می‌یابد. این اشیا ممکن است نمادی از دین یا خدای مورد پرستش، یادبودی نیاکانی از رخدادی جادویی، شمایل درگذشتگان و مقدسان، وسیله‌ای برای اجرای آیین‌های مذهبی یا نسخه‌ای از یک متن مقدس باشند.

هنگام کاوش در مکان‌های باستانی، یک نیایشگاه را به‌جز آثار قربانی، بیشتر از اشیای ویژه‌ای که در آن به‌جا مانده است می‌توان بازشناخت؛ اشیایی که ممکن است در بافت‌های مسکونی یا صنعتی هم‌دوره کشف نشوند. چه این اشیا را بنیان‌گذاران نیایشگاه درون آن قرار داده باشند و چه هدیه یا فدیه‌ای از سوی نیایشگران بعدی باشد. هدف می‌تواند تقدیس شیء، پیوند دادن آن با مذهب و ریشه‌های آسمانی و بخشیدن نیرویی معنوی و فراطبیعی بدان باشد.

کهن‌ترین نیایشگاه شناخته‌شده تا امروز در جهان، گوبکلی‌تپه در جنوب‌خاوری ترکیه است که لایهٔ سوم آن نزدیک به ۱۱۵۰۰ سال قدمت دارد، ازجمله مهم‌ترین اشیای بازمانده در این لایه، می‌شود به قطعات غول‌پیکری از سنگ در درون دیوارهای مدور نیایشگاه اشاره کرد که بی‌شباهت به اندام و سر خلاصه‌شدهٔ انسان نیستند و رویهٔ آن‌ها با نقش جانوران گوناگون پوشانده شده است (Schmidt, 2000. p. 47). برای یافتن کهن‌ترین نیایشگاه شناخته‌شده در ایران تاکنون، می‌توان به یک ساختمان آیینی در تپهٔ شیخی‌آباد در شمال‌خاوری کرمانشاه اشاره کرد که در یک لایهٔ ۹۵۰۰ ساله قرار دارد. مهم‌ترین اشیای بازمانده در این مکان چهار جمجمهٔ بزکوهی وحشی با شاخ‌های بلند و یک جمجمه از گوسفند وحشی است. بخش‌هایی از این جمجمه‌ها که با نظم بر زمین چیده شده‌اند، با رنگ اخرا تزیین شده‌اند. از این مکان یک پیکرک گلی زنانه و زیورهایی از سنگ و استخوان نیز یافت شده است (Matthews et al, 2010).

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

رد اجسام تقدیس‌شده را در نیایشگاه‌های ادیان متفاوت می‌توان پی گرفت: سرعلم‌های مفرغی نیایشگاه سرخ‌دم لرستان، شمعدان منورا در یک سیناگوگ کلیمی، طبل‌های شمنی سرخپوستان امریکا، پیکره‌های رقصان خدای شیوا در معابد هندو، تندیسک‌های زنانه باروری زیگورات دوراونتاش شوش، گلوبندهای صدفی بومیان می‌سی‌سی‌پی، فرش‌های محرابی یک مسجد، چرخ دعای بوداییان تبت، سیماچه‌های قومی بومیان افریقا، یک قاب با نقش تایجی در معبدی تائویی، یک عودسوز مایایی، تختهٔ رقص بومیان استرالیا، عیسای مصلوب بر دیوار کلیسا، علم سوگواری یک تکیهٔ شیعی، نسخه‌ای از گرانت صاحب در معبد سیک‌ها یا ستون‌های توتمی بومیان امریکای شمالی، همه اجسامی هستند که به‌سبب حضور در فضای مذهبی برای باورمندان به یک دین ساحتی مقدس یافته‌اند.

این اشیا می‌توانند طبیعی، دست‌ساختهٔ فردی بومی یا اثر استادکاری نامدار باشند، اما ارزش آن‌ها در قداست معنویشان ریشه دارد، نه در جنس یا ماده‌ای گرانبها. جایگاه نگهداری آن‌ها ممکن است یک کپر حصیری در گوشه‌ای از صحرای افریقا، یورتی عشایری در مغولستان، غاری در اعماق جنگل‌های هند یا کلیسایی مجلل در واتیکان باشد، اما شکوه یا سادگی نیایشگاه بر کارویژه‌های افسونگرانهٔ این اجسام و باور انسان به نیرو و شگون آن‌ها تأثیری نخواهد نهاد.

کاخ؛ مکان اسباب تمایز: هنگامی که یک نظام سیاسی از نهضت به نهاد بدل می‌شود و به‌ویژه اگر قرار باشد اقتدار به‌شیوهٔ سنتی از طریق وراثت دست‌به‌دست شود، پدیداری بناهای سترگ شاهانه برای اقامت خاندان شاهی یا اجرای تشریفات درباری بسیار محتمل است. یک ویژگی اساسی برای این کاخ‌های سلطنتی، دژهای اشرافی یا قلعه‌های خانی آراستگی درون بنا با اشیای ویژه و چشمگیر است که از میراث، پیشکش، خراج، غارت یا غنیمت حاصل آمده‌اند. تملک مجموعهٔ بزرگ‌تر یا باشکوه‌تری از این اشیا می‌تواند نشانی از تمایز مالک با میهمانان هم‌تراز یا زیردستش باشد و بر شأن و ابهت وی بیفزاید.

احتمالاً نخستین شخصی که دست به گردآوری اشیای برگزیده از کشورهای گوناگون در یک مکان ویژه زد، پادشاه عیلامی شوتروک ناخونته در سدهٔ دوازدهم پیش

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

از میلاد بود. در نمایشگاهی که او در یک راهرو در کنار نیایشگاه اینشوشیناک در شهر شوش برپا کرد آثار ارزشمندی که از پیروزیش بر بابلیان به غنیمت آورده بود، نگهداری می‌شد (De Morgan, 1997, p. 106)، همچون لوح پیروزی نارام‌سین، مجموعه‌ای از کودوروهای بابلی و قانون‌نامه حمورابی، سنگ‌نوشته‌های کاسی، الواحی از انشان و.... شاهان بعدی همچون کوتیر ناخونته نیز اشیایی را به این مجموعه افزودند (Potts, 2015, p. 227). این مجموعه را می‌توان نخستین موزهٔ/ نمایشگاه تاریخ جهان لقب داد.

برخی از مجموعه‌های آثار گردآوری‌شده از سوی شاهان زیر آوار فضاهای مسکونی باقی مانده و برخی دیگر پس از مرگ صاحبانشان به آرامگاه آن‌ها منتقل شده‌اند. شماری از آن‌ها ساحتی مذهبی ـ آیینی دارند، شماری دارای ارزش‌های هنری ـ زیباشناختی هستند و شماری نیز از فلزات یا گوهرهای گران‌بها ساخته شده‌اند. در میان گنجینه‌های شناخته‌شده‌ای که از تروا (حصارلیق) ترکیه، زیویه کردستان، وادی الملوک مصر، کنوسوس کرت، ساحل جیحون یا طلاتپهٔ افغانستان یافت شده‌اند و احتمالاً به خاندان‌های شاهی جهان باستان تعلق داشته‌اند هم می‌توان شمایل‌های مذهبی و نمادهای ایزدان کهن را یافت و هم تصاویری از شکار و نبرد و عیش‌های درباری.

اشیای پرشمار و متنوعی که زمانی دارایی شخصی مالکان شهر ممنوعهٔ پکن، توپ‌قاپی استانبول، الحمرای گرانادا، ورسای پاریس، باکینگهام لندن یا سعدآباد تهران بوده‌اند نیز ماهیت یکسانی ندارند. در میان این اشیا هم جام‌های زرین و ابریق‌های بلورین و جامه‌های زربفت و گوهرهای کم‌یاب تراش‌خورده می‌شود یافت، هم تندیس‌های کار دست پیکره‌تراشان نامدار و تابلوهای نقاشان بزرگ و هم پیکره‌های آیینی و شمایل‌های مذهبی و نسخه‌های خطی متون مقدس، اما همهٔ این اشیا شاید در یک کاربرد دارای اشتراک باشند. آن‌ها در کاخ گردآورده شده‌اند تا زانوان هر بیننده‌ای را زیر بار شوکت و عظمت و درخشندگی خود خم کنند. مجموعهٔ این اشیا قرار بوده است هشداری از حضور در یک مکان برگزیده و در محضر شخصی ارجمند را به مخاطب منتقل کنند تا هیبت و مهابت این احساس او را هم‌زمان دچار شوق و سرور و پروا و فروتنی سازد.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

موزه؛ مکان آثار موزه‌ای‌شده[۱۵]: یک سده پیش بنجامین گیلمن[۱۶] (1918, p. 81) موزه‌دار باسابقهٔ موزهٔ هنر بوستون، بیان داشت که موزهٔ هنر همان ماهیت و گوهرهٔ نیایشگاه را دارد. واژهٔ موزه[۱۷] خود از معابدی برگرفته شد که برای ستایش ایزدبانوان هنر و دانش برپا می‌شده‌اند. بسیاری از موزه‌های کنونی دنیا در مکان نیایشگاهی باستانی یا مسجد، کلیسا یا معبدی تاریخی استقرار یافته‌اند. همچنین، ساختمان برخی موزه‌های مدرن همچون موزهٔ بریتانیا، موزهٔ هنر فیلادلفیا یا موزهٔ ملی تاریخ امریکا با الهام از ساختار معابد کهن بنا شده‌اند. درون برخی از زیارتگاه‌ها یا نیایشگاه‌های جهان همچون مرقد امام رضا(ع)، کلیسای سن‌پیتر واتیکان یا معبد بودایی بوربودور اندونزی به‌تدریج موزه‌هایی بزرگ سرشار از آثار هدیه‌شده یا گردآوری‌شده شکل گرفته است. همچنین، در کنار این مسئله می‌توان به شمار بسیاری از کاخ‌های تاریخی جهان اشاره کرد که با همهٔ اشیای درونشان به موزه بدل شده‌اند.

والتر بنیامین[۱۸] (1939, p. 387) بر این باور است که کهن‌ترین آثار تاریخ هنر برای خدمت به‌گونهٔ آیین خلق می‌شده‌اند، نخست آیین‌های سحرآمیز و بعدها آیین‌های مذهبی. برپایهٔ این ذات درونی، که همچون هاله‌ای به‌گرد شیء پیچیده است، اثر هنری هرگز پیوندش را با کارکرد آیینی خود از دست نخواهد داد، اما باید دانست که کیفیت تقدیس اثر در موزه تفاوت‌های بنیادینی با نیایشگاه دارد. در ادامه به تشریح این تفاوت‌ها خواهیم پرداخت.

یکی از اهداف محوری دانش موزه‌شناسی ارائهٔ تفسیری علمی از شیوهٔ نگرش انسان به هستی است. موزه‌ای‌شدگی[۱۹] یا ارزش موزه‌ای ویژگی ذاتی هر شیء موزه‌ای و یک ارزش خاص اسنادی است. موزه‌ای‌شدگی آن جنبه‌ای از واقعیت است که ما تنها از طریق نمایش رابطه میان انسان با هستی می‌توانیم آن را دریابیم (Stránský, 1970, p. 174). هویت شیء موزه‌ای وابسته و برآمده از مکان، زمان و جامعه‌ای خاص است، در عین آن که می‌تواند این هویت را در زمان، مکان و جامعه‌ای متفاوت به نمایش نهد. برای فهم روند موزه‌ای شدن ابتدا باید به مسیری که شیء برای ورود به موزه طی می‌کند پرداخت. شیء از بافت اصیل خود خارج می‌شود تا در بافتی نو به نمایش در آید و خلاف ذات رو به نابودی‌اش، مرمت و محافظت شود. با این گزینش و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

جداسازی، روند موزه‌ای‌شدن آغاز می‌شود. شیء از بین آثار همسانش در جریان روزمرهٔ زندگی، در بازار هنر، در مخزن موزه و... برگزیده می‌شود و سپس در مکانی جداشده از طبیعت، لایهٔ باستانی خاستگاه یا کارکرد اجتماعی‌اش به نمایش در می‌آید. جسمی که ممکن است پوشاکی مستعمل، شهاب‌سنگی افتاده بر خاک، یک ابزار صنعتی قدیمی یا تندیسی فراموش‌شده به‌شمار رود، پس از گذار از فرایند موزه‌ای‌شدن، به‌منزلهٔ اثری برگزیده و سندی گویا برای واقعیتی که پیش از این بدان تعلق داشت، دارای ارزش و اهمیت می‌شود.

ویژگی مهم دیگر شیء موزه‌ای‌شده، در قاب‌نهادگی است. چارچوب‌بندی یا درقاب نهادن در علوم اجتماعی، ساده‌سازی واقعیت با تمرکز بر برخی از جنبه‌های مناسب یک رخداد یا موقعیت و تأکید بر این ویژگی‌های برگزیده در درون یک چارچوب برنهاده‌شده است (Druckman, 2001, p. 226). اثر موزه‌ای هنگامی که با قابی بر دیوار آویخته می‌شود یا در گونه‌ای ویترین قرار می‌گیرد و حتی هنگامی که خطوط هشدار بازدیدکننده را از نزدیک شدن بیش از حد به آن باز می‌دارند، دارای ویژگی درقاب‌نهادگی شده است. آنچه در درون قاب می‌نشیند اهمیت می‌یابد و توجه مخاطب را به‌سوی خود جلب می‌کند. سنگ‌واره‌ای که در دامنهٔ کوه افتاده، چرتکه‌ای در انبار یک خانهٔ قدیمی یا تابلویی در ازدحام آتلیهٔ یک نقاش بیشتر جذابیتی برای بینندگان ندارند، اما همین اجسام پس از موزه‌ای شدن و نشستن در قاب‌های ویژهٔ موزه‌های علوم طبیعی، مردم‌شناسی یا هنر، ارزش و اهمیت می‌یابند.

در اینجا لازم است به یک مسئلهٔ مهمی اشاره شود. اگرچه بخش بزرگی از آثار موزه‌های تاریخی ـ هنری از فضاهای مقدسی همچون آرامگاه‌ها یا نیایشگاه‌ها گردآوری شده یا هم‌بسته با یک مذهب یا فرقهٔ ویژه بوده‌اند، اما شیء مقدس/ برگزیده در موزه قرار نیست حتماً یک جسم تقدیس‌شده از سوی دین یا مکتبی خاص باشد. چه‌بسا این اشیا قداست مذهبی‌شان را پس از ورود به موزه از دست بدهند. پیکرهٔ یک کاهن ستایشگر سومری، یک ظرف هدیهٔ باستانی مصری برای خدایان، تسبیحی بازمانده از یک قدیس مسیحی یا محراب کتیبه‌دار یک مسجد هنگامی که در ویترین موزه می‌نشینند در نگاه پیروان ادیان دیگر یا ناباورمندان به مذهب قداستی دینی

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

نخواهند داشت و بعید است بازدیدکننده‌ای بر آن‌ها نیاز برد یا از آن‌ها شفا و شگون بطلبد. در عین حال، این آثار در موزه بارور تقدس و برگزیدگی تازه‌ای می‌شوند که بیشتر به‌سبب ارزش‌های زیباشناختی، فنی، تاریخی، فرهنگی یا نمادین آن‌هاست. از سوی دیگر، موزه می‌تواند هاله‌ای از تقدس به‌گرد اشیایی ایجاد کند که پیشینه‌ای از کاربری آیینی یا ارتباطی با ساحت قدسی نداشته‌اند؛ اشیایی که تا قبل از نشستن در ساختار موزه و گذر از فرایند موزه‌ای شدن ممکن بود چنین برگزیده و ویژه به‌نظر نرسند.

پیش از این، پژوهشگرانی اشاره کرده‌اند که مسافرت به پاریس برای بازدید از آثار نامداری همچون مونالیزا سفری آیینی به‌شمار می‌رود. این دیدگاه، لوور را یک زیارتگاه و تصویر متبسم جئوکوندو را یک شمایل آیینی می‌داند که بازدیدکنندگانش با اشتیاق و شوری معنوی به زیارت آن آمده‌اند (Christophe & Garnier, 2014, p. 17). شخصیت اصلی این اثر نه به حلقهٔ قدیسان تعلق دارد، نه نقاش آن. تابلوی مونالیزا در اصل هرگز ارتباطی با مذهب نداشته و تنها پس از گذر از مسیر موزه‌ای‌شدن حامل چنین قداستی شده است.

پژوهش دیگر، تجربهٔ حضور در موزهٔ هنرهای مدرن نیویورک را چنین وصف می‌کند: بازدیدکنندگان با ملایمت گام بر می‌دارند و خموشند یا به‌آرامی نجوا می‌کنند. دیوارهای نورانی موزه ریخت یا هویتی ندارند، زیرا جسمیتشان را زیر بار آثار نامداری که بر آن‌ها آویخته شده است از دست داده‌اند. بازدیدکننده خود را در یک ناکجا حس می‌کند، در یک خالی سپید آغازین و در یک نورانیت بی‌خورشید. گویا در سکوت زهدان ازلی یک ایزدبانو است که ورای زمان و تاریخ ایستاده است (Duncan, & Wallach, 1978, p. 28). چنین تفسیری از بازدید موزه‌ای آشکارا یادآور تجربه‌ای معنوی است، از این رو، نویسندگان گذر از سردر ورودی، گام نهادن در هزارتوی مارپیچ و غرق شدن در مراحل گوناگون بازدید از این موزه را یک آیین مذهبی متعلق به دورهٔ سرمایه‌داری لقب داده‌اند.

سرنوشت بسیاری از آثار هنری مدرن در فرایند برگزیدگی، جداسازی و چارچوب‌بندی از سوی نهاد موزه رقم خورده است. اگرچه در هنر مدرن گام نخست

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

برای برگزیدن اشیا را خود هنرمند انجام می‌دهد، اما آثاری همچون چرخ نهاده‌شده بر چهارپایه از سوی مارسل دوشان[۲۰]، اتویی که من ری[۲۱] کف آن میخ چسبانده، بریده‌های روزنامهٔ تکه‌چسبانی‌شده از سوی کورت اشویترز[۲۲] یا زین و دستهٔ دوچرخه‌ای که پابلو پیکاسو[۲۳] با آن‌ها سر گاو ساخته است، بخش بزرگی از جایگاه نشان‌دار خود را پس از ورود به گالری‌ها و موزه‌ها کسب کرده‌اند. بازدیدکنندهٔ پرشوری که برای دیدن آثار یک موزهٔ هنر مدرن راهی سفر می‌شود، در صف می‌ایستد و برای ورودی بهایی پرداخت می‌کند و درنهایت، تصویر هیجان‌زدهٔ خود را کنار یک اثر حاضرآماده در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند، ممکن است این شیء را بیرون از ساختار موزه یک جسم بی‌ارزش تلقی کند. حتی اگر چنین جایگاهی را حاصل شهرت هنرمند بدانیم، باید به‌یاد داشته باشیم نخست این موزه بوده که با تأیید اصالت یک اثر و برگزیدن آن از میان دیگر آثار همسان برای نمایش، به آن ارزش نمادین و قداست بخشیده است. البته، این قداست به‌سبب خاصیت غیرالزامی خود، در گرو شیوهٔ نگاه بازدیدکننده است و برای فردی که علاقه‌ای به هنر مدرن ندارد، رنگ می‌بازد.

تفاوت مهم دیگری نیز می‌توان میان دریافت حس روحانی در نیایشگاه با تجربهٔ درک شیء موزه‌ای‌شده یافت. برقراری ارتباط با سکون و خلسه‌ای معنوی که در یک کلیسای جامع، یک زیارتکدهٔ روستایی یا یک معبد هندو جریان دارد، برای پیروان مذاهب دیگر نیز ناممکن نیست؛ زیرا فضاهای معماری ادیان گوناگون را نشانه‌های مشترکی به‌هم پیوند می‌زند: آرامش و دوری از تنش‌های فضای شهری که با سکوت یا بهره از آواهایی عرفانی فراهم می‌شود، بوی رخوت‌آوری که از مجمرها و عودسوزها بر می‌خیزد، لرزش شعلهٔ شمع‌ها پای تمثال‌ها و محیط نیمه‌روشنی که حاصل نور رنگ‌پریده گذشته از شیشه‌های رنگی است. چنین وصفی با بیشتر نیایشگاه‌های جهان هم‌خوانی دارد و هر فرد آشنا با تجربهٔ معنوی این کلیت را درک خواهد کرد، اما بسیاری از اشیای موزه‌ای‌شده چنین تأثیر همسانی را بر همهٔ بازدیدکنندگان نخواهند گذاشت. شخصی که شیفتهٔ نقاشی دریافت‌گراست ممکن است ساعتی روبه‌روی شب پرستاره ون‌گوگ بایستد و با کشف هر پیچش قلم‌مو یا هر ترک‌خوردگی حجم رنگ دچار شعف شود، در حالی که دیگران با نیم‌نگاهی از مقابل این اثر می‌گذرند. یک

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

متخصص الکترونیک که سیم‌پیچی ساخته‌شده از سوی تسلا را در گوشه‌ای از موزه یافته، دیرینه‌شناسی که در برابر ویترینی حاوی سنگوارهٔ یک آرکئوپتریکس ایستاده یا پسربچه‌ای که مبهوت پیکره‌ای از ابرقهرمان محبوبش شده است، همه در حال تجربهٔ درونی و شخصی ارتباط با شیء مقدس/ برگزیده هستند.

نتیجه

از زمان پا گرفتن نخستین فرهنگ‌های جهان تا امروز میل به گردآوری اشیای زیبا، عجیب، قدیمی، متفاوت یا گران‌بها در جوامع انسانی تداوم داشته است و گاه برخی از این اشیا را ساحت برگزیدگی، تمایز یا تقدس بخشیده‌اند. وقف این اشیا برای نگهداری در یک مکان خاص چنان جهان‌شمول است که می‌توان آن را به‌منزلهٔ عادتی انسانی هم‌زمان در فرهنگ‌های بدوی یا تمدن‌های شهری مدرن و نیز در جوامع مذهبی یا غیرمذهبی مشاهده کرد. تقدس این اشیا ممکن است از وابستگی به یک دین، آیین یا سنت ملی، کسب یک جایگاه تاریخی یا علمی ویژه، حفاظت شدن از سوی یک نهاد قدرت یا محبوبیت و توان جلب هواخواهی عمومی حاصل آمده باشد، اما در هر حال نیاز جوامع انسانی به گردآوری، نگهداری و برقراری ارتباط حسی با این اشیا در گذر تاریخ پابرجا مانده است.

این نوشتار تلاش کرده طی پژوهشی توصیفی ـ تحلیلی در حوزهٔ جامعه‌شناسی فرهنگ برای روشن‌تر شدن ابعاد این پدیدار اجتماعی به دو پرسشی که آورده می‌شود پاسخ دهد: شیء مقدس/ برگزیده چیست و چرا انسان همواره به گردآوری و نگهداری آن تمایل داشته است؟ مکان نگاهداشت این اشیا چه اهمیتی برای جوامع انسانی داشته و چگونه در روند تنوع ساختار اجتماعی و با جابه‌جایی خاستگاه قدرت، این مکان نیز تغییر کرده است؟

برای کشف ماهیت جامعه‌شناختی شیء مقدس/ برگزیده بر دیدگاه‌های دورکهیم و همکاران تکیه شد. بر این اساس، شیء مقدس برای هر گروه فرهنگی می‌تواند نماد، شمایل یا توتمی باشد که علایق و خواسته‌های آن‌ها را بازنمایی می‌کند؛ ارتباط با آن یک تجربه یا دریافت درونی و شخصی است و ویژگی‌های اصلی آن زیبایی، والایی و

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

مهابت هستند. با وجود تفاوت‌های ماهیتی بسیار، همهٔ اشیایی که در این پژوهش بحث شده‌اند از دیدگاه گروهی از انسان‌ها این ویژگی‌ها را دارا هستند؛ هم شوق و لذت زیباشناختی را بر می‌انگیزند و هم شگفتی و پروای حاصل از والایی را.

فهم چیستی مکان پاسداشت شیء مقدس/ برگزیده و چرایی تنوع این نهاد مهم اجتماعی در گذر تاریخ بر دیدگاه وبر پایه‌گذاری شد. این پژوهش روندی که در ادامه آورده می‌شود را برای سه خط‌مشی وبر درنظر می‌گیرد: فرهمندی باستانی، توارث تاریخی و دولت مدرن. نیایشگاه را می‌توان کهن‌ترین نهادی دانست که انسان در آن به پاسداشت اجسام تقدیس‌شده پرداخته است. کاخ‌ها در دوره‌های بعد مکان اشیای برگزیده‌ای با ارزش مادی، هنری، تاریخی یا مذهبی برای کسب تمایز بوده‌اند. موزه ابتدا تنها برای نگهداری این آثار بنیاد نهاده شد، اما به‌تدریج به یک نهاد نیرومند آموزشی بدل شد که به مراقبت و نگهداری، نمایش همگانی و تفسیر اشیا می‌پردازد. بدین‌سان، وظیفهٔ تاریخی نگاهبانی از شیء مقدس در دورهٔ مدرن به موزه برماند رسید. در این راستا، بسیاری از نیایشگاه‌ها و کاخ‌ها نیز با همهٔ اشیای درون خود به موزه بدل شدند.

با وجود این، موزه در این زمینه تفاوت‌های آشکاری با اسلاف خود دارد. دسترسی به اشیا در تملک یک نیایشگاه یا کاخ برای عامهٔ مردم ممکن نبود، اما آثار موزه‌ای‌شده در معرض بازدید همگانی قرار دارند. کار موزه تنها نگهداری اشیا نیست، بلکه آن‌ها را در فرایندی از برگزیدگی، جداسازی و چارچوب‌بندی، «موزه‌ای» می‌کند. موزه‌ها توانسته‌اند با چارچوب‌بندی به اشیا جایگاه و اهمیتی تازه ببخشند. ممکن است اشیای مذهبی در روند ورود به موزه تقدس‌زدایی شوند یا اشیا روزمره مقدس‌سازی شوند و اشیای پرشماری را می‌توان مثال زد که پس از گذر از روند موزه‌ای‌شدن قداست یافته‌اند. اگرچه باید به‌یاد داشت که خلاف نیایشگاه، موزه تأثیر همسانی بر همهٔ بازدیدکنندگانش ندارد. تجربهٔ ارتباط با شیء مقدس/ برگزیده در موزه امری اختیاری، غیرالزامی، درونی، شخصی و برآمده از پیشینه، سن، دل‌بستگی و دانش هر بازدیدکننده است.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

پی‌نوشت‌ها

1. Ashmolean museum
2. cabinet of curiosities
3. Paul-Michel Foucault (1926 – 1984).
4. Maximilian Karl Emil Weber (1864 – 1920)
5. sociology of culture
6. charismatic authority.

۷. فره ایزدی (به‌اوستایی: خُوَرَ، خُوَرنَ) شکوه و فروغی برآمده از پشتیبانی خداوند است که به شاهان دادگر و نیکوکار داده می‌شود. احتمالاً واژهٔ خُوَرَ به یونانی راه یافته و به Kharis بدل شده است که در زبان‌های شاخهٔ لاتین، واژگانی چون Grase و Charisma از آن گرفته شده‌اند (طاهری، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۸).

8. traditional authority.
9. legal-rational authority.

۱۰. شمن کاهنی است که همچون طبیبان درمان می‌کند، همچون جادوگران معجزه می‌کند، همچون روحانیان راهبری معنوی می‌کند و همچون ادیبان شعر می‌گوید (Eliade, 2004, P. 4).

11. Émile Durkheim (1858 - 1917).
12. Rudolf Otto (1869 - 1937).
13. Mircea Eliade (1907 – 1986).
14. Immanuel Kant (1724 –1804).

۱۵. پژوهش‌های بسیاری به نقش موزه‌ها (به‌ویژه موزه‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و جنگ) به‌منزلهٔ بازوی ایدئولوژیک حکومت‌ها اشاره کرده و کارکرد موزه‌ها در تولید، بازتولید یا تخریب هویت ملی و قومی را کنکاش کرده‌اند (ن.ک: Trigger, 1995؛ Galaty & Watkinson, 2004؛ Hamilakis & Duke, 2007 و...). از این دیدگاه، موزه گاه یاریگر جوامعِ رو به افول برای بازیابی هویتشان و گاه ابزار دست قدرت‌های سیاسی تمامیت‌خواه خوانده شده. از آنجا که بررسی همهٔ سویه‌های تأثیرگذاری اجتماعی موزه‌ها در مجال اندک پژوهش حاضر امکان‌پذیر نیست، در ادامه تنها به روند نشستن موزه به‌جای نیایشگاه و کاخ در امر پاسبانی از شیء مقدس/ برگزیده پرداخته خواهد شد.

16. Benjamin Ives Gilman (1852 – 1933)

۱۷. از ریشهٔ یونانی Mouseion که معبدی برای ستایش میوزها بوده است. میوزها نه خواهر پشتیبان و الهام‌بخش هنر، ادبیات و دانش در اساطیر یونانی و دختران زیوس و منموزینه هستند (Cook, 1914, P. 104).

18. Walter Bendix Schönflies Benjamin (1892 – 1940)
19. museality
20. Henri Robert Marcel Duchamp (1887 – 1968)

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

21. Man Ray (1890 – 1976)
22. Kurt Hermann Schwitters (1887 – 1948)
23. Pablo Picasso (1881 – 1973)

منابع

بلیکی، ن. (۱۳۸٤). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمهٔ ح. چاوشیان. تهران: نی.

حافظ‌نیا، م. ر. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.

طاهری، ص. (۱۳۹٦). *نشانه‌شناسی کهن‌الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین‌های همجوار*. تهران: شورآفرین.

References

Bendix, R. (1977). *Max Weber: an intellectual portrait*. Oakland: University of California Press.

Benjamin, W. (1939). Das Kunstwerk im Zeitalter seiner technischen Reproduzierbarkeit. in: *Schriften.* Band I, herausgegeben von: Theodor W. Adorno, Frankfurt: Suhrkamp Verlag, 1955, 366-405.

Beth, L. (2006). Foucault's museum: difference, representation and genealogy. *Museum and Society*, 4, *1*, 11-14.

Christophe, A., & Manon G. (2014). "En pèlerinage au musée: sur les traces de La Joconde", in: Mairesse F. (Ed.), *Voir la Joconde, approches muséologiques*, Paris: Éditions L'Harmattan, 15-36.

Collins, R. (1986). *Weberian sociological theory*, Cambridge: Cambridge University Press.

Cook, A. B. (1914). *Zeus: A Study in Ancient Religion*, Vol. I, Cambridge: Cambridge University Press.

De Morgan, J. (1997). *Mémoires de Jacques de Morgan 1857-1924*. Paris: Editions L'Harmattan.

De Vaan, M. (2008). *Etymological Dictionary of Latin and the other Italic Languages* (Indo-European Etymological Dictionary Series; 7). Leiden: Brill.

Druckman, J. N. (2001). The Implications of Framing Effects for Citizen Competence. *Political Behavior*, 23, *3*, 225-56.

Duncan, A., & Wallach, C. (1978). The Museum of Modern art as late capitalist ritual: an iconographic analysis. *Marxist perspectives*, *4*, 28-51.

Durkheim, E. (1965). *The elementary forms of the religious life*. Transl. by Joseph Swain. NewYork: The Free Press.

Eliade, M. (1987). *The Sacred and The Profane: The Nature of Religion*. Transl. by Willard R. Trask, San Diego: Harcourt Brace Jovanovich.

Eliade, M. (2004). *Shamanism: Archaic Techniques of Ecstasy*. Princeton: Princeton University Press.

Galaty, M. L., & Watkinson, Ch. (Eds.) (2004). *Archaeology under dictatorship*. London: Springer.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Giddens, A. (1971). *Capitalism and modern social theory: an analysis of the writings of Marx, Durkheim and Max Weber*. Cambridge: Cambridge University Press.

Gilman, B. I. (1918). *Museum Ideals of Purpose and Method*. Boston: Order of the trustees of the Museum of Fine Arts at the Riverside Press.

Grimes, R. L. (1992). Sacred objects in museum spaces. *Studies in Religioun*, 21, *4*, 419-430.

Griswold, W. (2012). *Cultures and Societies in a Changing World*. Thousand Oaks: SAGE.

Hamilakis, Y., & Duke, Ph. (Eds.) (2007). *Archaeology and Capitalism: From Ethics to Politics*. Walnut Creek: Left Coast Press.

Kant, I. (1987). *Critique of Judgment*. Transl. by: Werner S. Pluhar. Indianapolis: Hackett Publishing.

Matthews, R. Mohammadifar, Y. Matthews W., & Motarjem A. (2010). Investigating the Early Neolithic of western Iran: The Central Zagros Archaeological Project (CZAP), *Antiquity*, 84.

Otto, R. (1996). *Autobiographical and Social Essays.* Alles, Gregory D. (Ed.). Berlin: Walter de Gruyter.

Potts, D. T. (2015). *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*. Cambridge: Cambridge University Press.

Riesebrodt, M. (1999). Charisma in Max Weber's sociology of religion, *Religion*, *29*, 1-14.

Schmidt, K. (2000). Göbekli Tepe, Southeastern Turkey. A preliminary Report on the 1995-1999 Excavations, *Palèorient*, 26, *1*, 45-54.

Stránský, Z. (1970). Múzejnictvo v relácii teórie a praxe, *Múzeum*, XV, *3*, 173-183.

Trigger, B. (1995). Romanticism, Nationalism and Archaeology, In: *Nationalism, politics, and the practice of archaeology*, Philip Kohl and Fawcett Clare (Eds.), Cambridge: Cambridge University Press, 263-279.

Weber, M. (1919). Politik als beruf, in: *Gesammelte Politische Schriften* (herausgegeben von Johannes Winckelmann), 5. Aufl., Tübingen: Mohr Verlag, 1988, 505-560.

Weber, M. (1922). Die drei reinen typen der legitimen herrschaft, *Preussische Jahrbücher*, 187, 1-2.

Weber, M. (1958). The three types of legitimate rule, Transl. by Hans Gerth, *Berkeley Publications in Society and Institutions*, *4*, 1, 1-11.

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]

Historical Variation of Safeguarding places for the Sacred Object, a Sociological Analysis

[1] **Sadreddin Taheri** *

Received: 01/03/2018 Accepted: 24/11/2018

Abstract

As problem-oriented research in the field of Sociology of culture, this article tries to pursue the concept of "Sacred object", its position and value, and displacement of its guarding places over time. Derived from the Latin root Sacer, the meaning of sacred is dedicated or consecrated. Durkheim saw religion as a system of beliefs and practices relative to sacred things, and Otto wrote about a non-rational, non-sensory experience whose primary object is outside the self. Kant's description of the beautiful and the sublime, as two subjective universal judgments, can explain our aesthetic perception of a sacred object. Weber has determined three types of legitimate rule: charismatic, traditional, and legal-rational authority. Even though all these three types are still prevalent today, we can propose a historical trend for this tripartite classification, a century after expressing the theory: ancient charismatic rule, historical rule based on succession, and the modern state. Sanctuaries and palaces are premodern places to guard the sacred objects, related to the two basic types of legitimate authority. However, museums have inherited this position in the modern period, as the most substantial institutions to protect the selected objects. A museum turns a thing into an object in the process of museality, involving selection, separation, and framing. A ritual/religious object may lose its virtue in this process, yet a regular thing may earn sanctity. To communicate with the sacred object is a non-obligatory, optional, internal, and subjective experience that depends on each visitor's background, age, interest, and knowledge.

KeyWords: Sociology of culture; Museum; Sacred object; Sanctuary; Tripartite classification of legitimate rule.

1. Asst. Prof., Department of Art Studies, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). E-mail: staheri@aui.ac.ir

[Downloaded from jhs.modares.ac.ir on 2024-10-12]